

A survey conducted to reconstruct Ali-Qapu Transom embellishments

Elham Veisseh

Master of Restoration and Revitalization of Historic Building and Context

Abstract:

Sheikh Safi mausoleum includes a number of buildings of different periods, which Shah Tahmasb first turned them into a single complex. Later, Shah Abbas amended this complex and added important buildings to it. In general, the great importance of this historical monument is reflected in its relationship with the Safavid dynasty.

According to the travelogues and tourists and historians' writings and also photos and documents left, the first gate of Sheikh Safi complex, known as Ali-Qapu Transom, has had a magnificent and unique architecture. Unfortunately, due to various reasons, such as exhaustion and damages from war, earthquakes and conscious and unconscious human damages, etc., the remaining parts of this monument were destroyed after surveying the embellishments' and mosaic tile inscriptions' remnants by the order of Mr. Ismail Dibaj, the archeology representative at that time, in the beginning of November 1942. However for some reason Ali-Qapu Transom, the square and the original space of the complex, have been destroyed and despite the damage to the spatial mass of the complex and its originality, today it is necessary to rebuild this historical monument and compensate for this damage and fix it. Achieving the complex's historical and urban identity and completing it is inevitable. The remaining parts of this historical monument's tiles are the most important goal and value in the reconstruction of the transom.

There are many narrations and travelogues about Ardebil, Sheikh Safi al-Din mausoleum and Ali-Qapu Transom until Friedrich Sarre examined the mausoleum in 1897 and published the first correct description of this complex. His research results were published in the form of a book named "Ardebil", which is one of the most important sources about this historical monument, and due to research activities shortage on Ali-Qapu Transom and the details of its embellishments; this research is of a great importance. Little research has been conducted on Ali-Qapu Transom including: Mesbahi (2009), Rezazadeh (1999), M, E, Vivor (1970). However, the studies and researches that have been conducted on this magnificent building are incomplete, and all the original sources should be re-examined and revised in the original texts.



Frontal of Ali Qapu, Ardabil, 1310 H./1893

The purpose of this article is to reach the general architectural design of this monument and to survey and document the mosaic tiles remaining from the transom so that despite the remaining black and white images from the transom's generalities, the main color and technique of architecture, embellishments and mosaic tiles can be discovered.

The method of this research is based on the available documents, library research, field research and comparative comparison.

The value of any historical monument and old building is in the physical evidence that was made in the same period. The sensitivity of the embellishments and the Transom's tiles protection is to entrust these documents and historical identity to the next generation correctly and without fail. Reconstruction of this magnificent architecture, which is a symbol, sign and part of the identity of Ardebil city, is inevitable. It is necessary to explain that Dar-al-Aman makes sense with this historical monument, means that it should be given priority with high sensitivity as soon as possible.

Keywords: *Ali-Qapu Transom, Architecture, Embellishments, Inscriptions, Mosaic Tiles, Urban Identity, Monument*

مطالعه و بررسی برای بازسازی تزیینات سردر عالی قاپوی اردبیل

الهام ویسه

کارشناس ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی
elhamveiseh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۷

چکیده

بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی شامل بناهایی از دوره‌های مختلف است که نخستین بار شاه طهماسب آنها را به صورت مجموعه واحدی درآورد. بعدها شاه عباس اول بناهای مهمی به این مجموعه افزود و اصلاح و تغییراتی در آن به وجود آورد. اهمیت این مجموعه تاریخی به طور کلی در رابطه‌ای که با سلسله خاندان سلاطین صفویه دارد، جلوه‌گر می‌شود. دروازه اول مجموعه شیخ صفی معروف به سردر عالی قاپو است. این بنا با توجه به توصیفات آن در سفرنامه‌ها و نوشته‌های سیاحان و مورخان و همچنین با استناد به عکس‌ها و مستندات باقی‌مانده از آن، معماری باشکوه و منحصر به فردی داشته است. متأسفانه بخش‌های به‌جامانده این اثر به دلایل مختلف از جمله فرسودگی و آسیب‌های وارده از جنگ و زلزله و خسارت‌های آگاهانه و ناآگاهانه انسانی، و... در اوایل آبانماه ۱۳۲۱ ش، به دستور فرماندار وقت و توسط اسماعیل دیباج نماینده وقت باستان‌شناسی آن زمان بعد از برداشتن باقیمانده‌های تزیینات و کتیبه کاشی معرق تخریب شد. حال اگر چه به دلایلی سردر عالی قاپو، میدان و فضای اولیه مجموعه از بین رفته است و بر حجم فضایی مجموعه و اصالت آن خدشه وارد آمده است، امروز لزوم بازسازی این اثر تاریخی و جبران این ضایعه و رفع آسیب آن و رسیدن به هویت شهری و تاریخی و تکمیل مجموعه امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری است و بازنمایی قطعات باقی‌مانده از کاشی‌های این اثر تاریخی از مهم‌ترین اهداف و انگیزه‌های بازسازی سردر است.

واژه‌های کلیدی

سردر عالی قاپو، معماری، تزیینات، کتیبه، کاشی‌های معرق، هویت شهری.

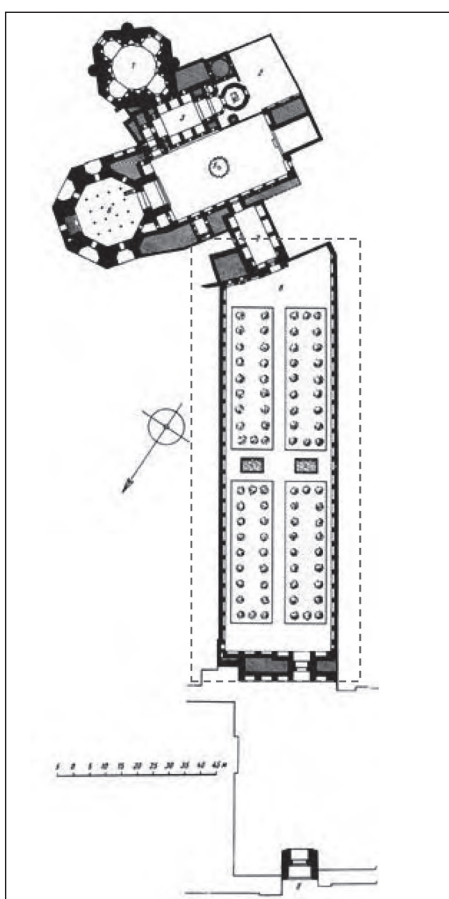
مقدمه

هدف از این مقاله بررسی و مستندنگاری کاشی‌های معرق باقی‌مانده از سردر عالی‌قاپو بر اساس مستندات موجود، تحقیقات کتابخانه‌ای، تحقیقات میدانی، و مقایسه تطبیقی است تا با وجود تصاویر سیاه و سفید از کلیات آن بتوان به رنگ اصلی و تکنیک ساخت معماری و تزیینات و کاشی‌های معرق بنای ارزشمند سردر عالی‌قاپو پی برد.

هنگام حکومت مغولان بر ایران مردی که بعدها یکی از مقدسین صفویه شد به شهر اردبیل آمده و در آنجا زیست. این مرد مابین سال‌های ۱۲۴۹ و ۱۲۵۳م تقریباً بیست و نه سال یا کمی بیش‌تر پس از اینکه مغولان شهر اردبیل را ویران ساختند، متولد شد و بعدها به نام شیخ صفی یا شیخ اسحق صفی‌الدین مورد احترام همگان قرار گرفت. این ادعا وجود داشت که شیخ صفی از نسل امام موسی کاظم^(ع) امام هفتم است و بدینوسیله سلسله نسب او به علی و پیغمبر می‌رسید. مدت بیست و پنج سال شیخ صفی نزد شیخ زاهد گیلانی - که دختر او بی‌بی فاطمه را به ازدواج خود درآورده

بود - تعلیم گرفت. چون شیخ زاهد درگذشت شیخ صفی جانشین او شد و شیخ سلسله درویشی شد که شیخ زاهد مرشد آنان بود (ویور، ۱۹۷۰: ۱-۲).

در مورد اردبیل و بقعه شیخ و سردر عالی‌قاپو روایات و سفرنامه‌های بسیاری موجود است ولی نخستین شرح صحیح این مجموعه را فردریش زاره که بقعه را در سال ۱۸۹۷ مورد بررسی قرار داد، منتشر کرد و نتیجه تحقیقاتش به نام کتاب *اردبیل* به چاپ رسید که از مهم‌ترین منابع درباره این اثر تاریخی است (نقشه ۱). ولی با توجه به خلاء پژوهشی در مورد سردر عالی‌قاپو و جزئیات تزیینات آن، این پژوهش بسیار حائز اهمیت است. در خصوص سردر عالی‌قاپو تحقیقات اندکی صورت گرفته است، از آن جمله باید به نوشته‌های مصباحی (۱۳۸۸)، رضازاده (۱۳۷۸)، ام. ای. ویور (۱۹۷۰) اشاره کرد. به هرحال مطالعاتی که تا کنون درباره این بنای باشکوه صورت گرفته ناتمام است و تمام منابع اصلی باید در متن‌های اصلی مجدداً مورد بررسی و بازبینی قرار گیرند.



نقشه ۱: نقشه شولتز از مجموعه شیخ صفی‌الدین (مأخذ: زاره، ۱۳۸۵: ۳۵).

سردر عالی قاپو و جایگاه تزئینی آن

در مجموع کنده شدن و تخریب تزئینات و بی حفاظ شدن بنا، تنش‌های حاصله از نیروهای زلزله و امواج صوتی، گذشت زمان و اثر نیروهای وارده در درازمدت، فرسایش، خوردگی و از بین رفتن خاصیت اولیه مواد و مصالح، تشدید آسیب‌های جزئی وارده بر بنا به دلیل عدم رسیدگی و ترمیم اثر در دوره‌های تاریخی مختلف، و جنگ‌ها و آسیب‌های آگاهانه و ناآگاهانه انسانی، از جمله مشکلاتی بوده که سردر عالی قاپو و تزئینات‌اش به آن دچار شده بود و به دنبال آن عوارضی چون ترک و نشست در ساختمان، شکستگی و ریزش بخش‌هایی از بنا، نهایتاً به این منجر شد که در اوایل آبانماه ۱۳۲۱ش بخش‌های مانده از سردر عالی قاپو، به دستور فرماندار وقت و توسط آقای دیباج نماینده وقت باستان‌شناسی آن زمان (بعد از برداشتن باقی‌مانده تزئینات و کتیبه کاشی معرق) تخریب شود (باباصفری، ۱۳۷۰: ۲۰۲).

حجم کلی سردر عالی قاپو متناسب با کارکرد خاص آن بوده و نسبت به سایر سردرهای موجود در مجموعه شیخ صفی ابعاد بزرگ‌تری داشته است. پیش‌طاق ورودی آن به شکل مستطیل بوده و به سبب عقب‌تر بودن درگاه از لبه معبر و همچنین معماری و تزئینات منحصر به فرد نظر عابران را به سوی خود جلب می‌کرده و آنان را به داخل فضای ورودی و عبور از درگاه، ترغیب می‌کرده است. تمام سطح فضای سردر عالی قاپو همچون بیشتر بناهای مذهبی زمان صفویه با کاشی معرق پوشانده شده بود. شکل اجرای تزئینات، به‌کارگیری تکنیک‌ها، رنگ‌ها، و نقوش مختلف در آن حکایت از طراحی هنرمندانه و هدفدار استادان مجرب دارد. در دور تا دور قوس طاق ورودی سردر عالی قاپو کاشی پیچ تزئینی فیروزه‌ای‌رنگ زیبایی اجرا شده است. این سردر به دلیل طراحی معمارانه و تزئین هنرمندانه‌اش شاخص‌ترین ورودی مرکز محله و میدان عالی قاپو بوده که مردم را به مجموعه شیخ صفی رهنمون می‌کرده است. درگاه این سردر از سنگ مرمر^۱ سفید و یکپارچه و به شکل استوانه‌ای بوده است. این سردر تقریباً در مقابل سردر حیاط بزرگ بقعه واقع بوده است. از آنجا که مجموعه شیخ صفی فضایی است درون‌گرا و هدفدار، گسترش فضا به گونه‌ای صورت پذیرفته که لازم است برای دسترسی مناسب به مکان‌های مختلف و نیز رسیدن به بقعه شیخ صفی یک سلسله مراتب طی شود. بنابراین با طولی کردن راه ورودی و قرار دادن سردر اصلی در مجاورت میدانی مهم، موجب زیبا شدن و شاخص نمودن فضای ورودی مجموعه و تقویت جنبه‌های کارکردی آن شده اند تا بدین‌وسیله به تدریج با ورود باطمینان به فضا و همچنین ایجاد حس انتظار، تکریم و خضوع تا رسیدن به مقبره حاصل آید.

فضای محاط بین سردر و دیوار مغازه‌ها و دکه‌های مجاور که جلوخان نام دارد، یک فضای رابط بین بنا با فضای شهری است و ماهیتی دوگانه دارد؛ یعنی هم جزئی از ورودی است و هم جزئی از محیط شهری و به واقع محل ادغام این دو فضا است (مصباحی، ۱۳۸۸: ۹۴). در پشت جلوخان و درگاه، فضای سرپوشیده‌ی دالان‌مانندی است که در امتداد محور درگاه و پیش‌طاق ورودی قرار دارد و به حیاط مجموعه متصل می‌شود (سلطان‌زاده، ۱۳۷۲: ۷۹).

در این اثر تاریخی یکی از مهم‌ترین عناصر فضای ورودی است که کارکرد اصلی آن، کنترل ارتباط فضای درونی بنا با فضای بیرونی آن است. در مورد بناهای مقدس و مذهبی رسم بر این بوده و هست که هنگام ورود به بنا یا خروج از آن، در ورودی آن را به نشانه احترام بوسوند. از در ورودی عالی قاپو هیچ نشان یا تعریفی در دست نیست. منتهی با توجه به دیگر درهای ورودی بقعه و نیز سردرهای مشابه می‌توان گفت که در ورودی عالی قاپو بزرگ، دولنگه، سنگین و از جنس چوب و در فرم کلی، مستطیل‌شکل بوده است. در مساجد اولیه که در نداشته اند جهت جلوگیری از ورود چهارپایان از زنجیر استفاده می‌شده است و بعدها علی‌رغم به‌کارگیری در همچنان زنجیر را در ورودی نصب می‌کرده اند این عنصر در دیگر سردرهای بقعه نیز مشاهده می‌شود. جنس زنجیر در ورودی عالی قاپو از نقره و یا آهن بود^۲ که به شکل صلیب آن را آویخته بودند و مردم قبل از ورود و هنگام خروج از بقعه آن را می‌بوسیدند. در عهد صفویه و قبل از آن دسترسی به این عنصر در سردر ورودی حیاط بزرگ مجموعه در حکم رسیدن به محدوده دارالامان بوده است. بخش پایین چهارچوب درآستانه نام دارد. به نظر می‌رسد آستانه در ورودی عالی قاپو مانند آستانه برخی از درها اندکی بلند ساخته شده بود تا تمایز بین دو فضا به بهترین شکل صورت پذیرد و افراد به دلیل تقدس و احترام مجموعه شیخ صفی‌الدین، در هنگام گذر از فضای بیرون مجموعه به فضای درون آن با تأنی رفتار کنند. در برخی از دوره‌ها آستانه معدودی از بناها از چنان اهمیتی برخوردار می‌شدند که افراد در هنگام ورود سعی می‌کردند پای خود را روی آن نگذارند، گروهی نیز آن را می‌بوسیدند. مانند آستانه مرمرین در ورودی عمارت عالی قاپوی اصفهان و درگاه مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (مصباحی، ۱۳۸۸: ۹۵).

معمولاً در اکثر ورودی‌های بناهای سنتی، سکو یا پیرنشین که به طور متداول به صورت زوج در دو سمت پیش‌طاق قرار دارد برای نشستن سالمندان طراحی می‌شده است. جنس این سکو با برداشت از متن سفرنامه‌ها و مقایسه با بناهای همگون و هم‌دوره به احتمال بسیار زیاد سنگ مرمر بوده است.^۳



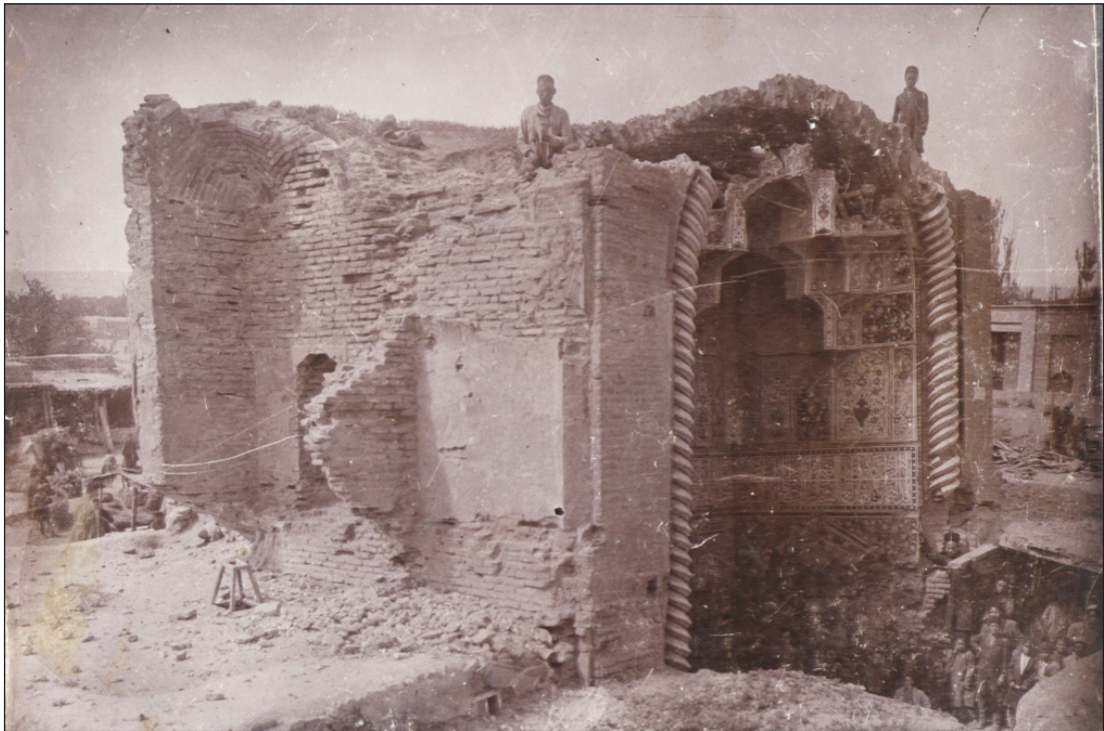
تصویر ۱. سردر عالی قاپو در سال ۱۳۱۰ ق (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان).



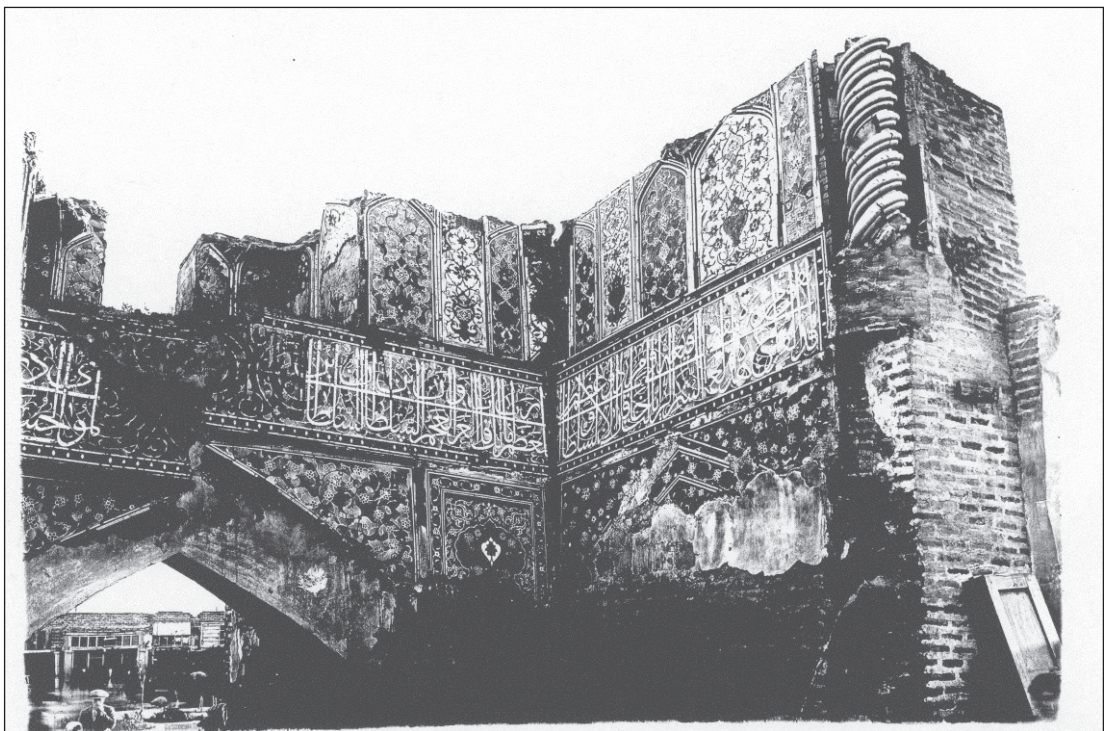
تصویر ۲. سردر عالی قاپو در حال تخریب (مأخذ: آلبوم‌خانه کاخ گلستان).

نقاره‌خانه^۴ بنایی در طبقه فوقانی با بازشوهایی به طرف میدان، مسلط بر اطراف جهت اجرای موسیقی در مراسم‌های خاص است که فقط در مجموعه بناهای شاخص و میدانی خاص قرار داشته است. قسمت فوقانی سردر عالی قاپو یعنی همان نقاره‌خانه در دوره قاجار برچیده شده بود.

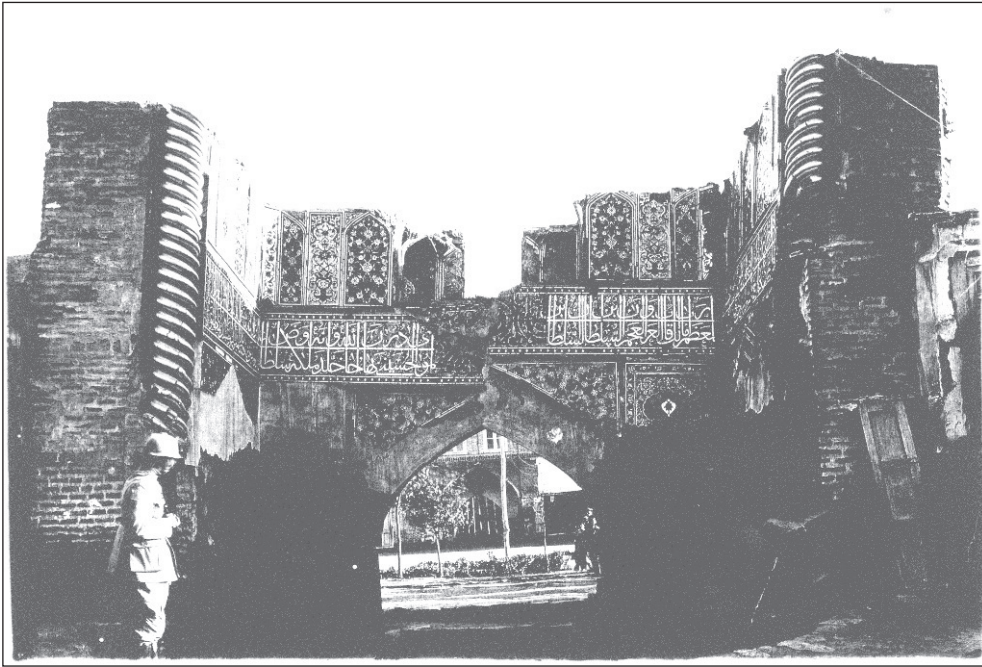
چون حیاط اول و دوم در بیش‌تر سفرنامه‌ها از جمله سفرنامه اولتاریوس پشت سرهم آمده به احتمال قریب به یقین منظور از حیاط اول همان میدان عالی قاپو با غرفه‌هایی جهت خرید و فروش است (تصاویر ۵-۱) (نقشه ۲ و ۳).



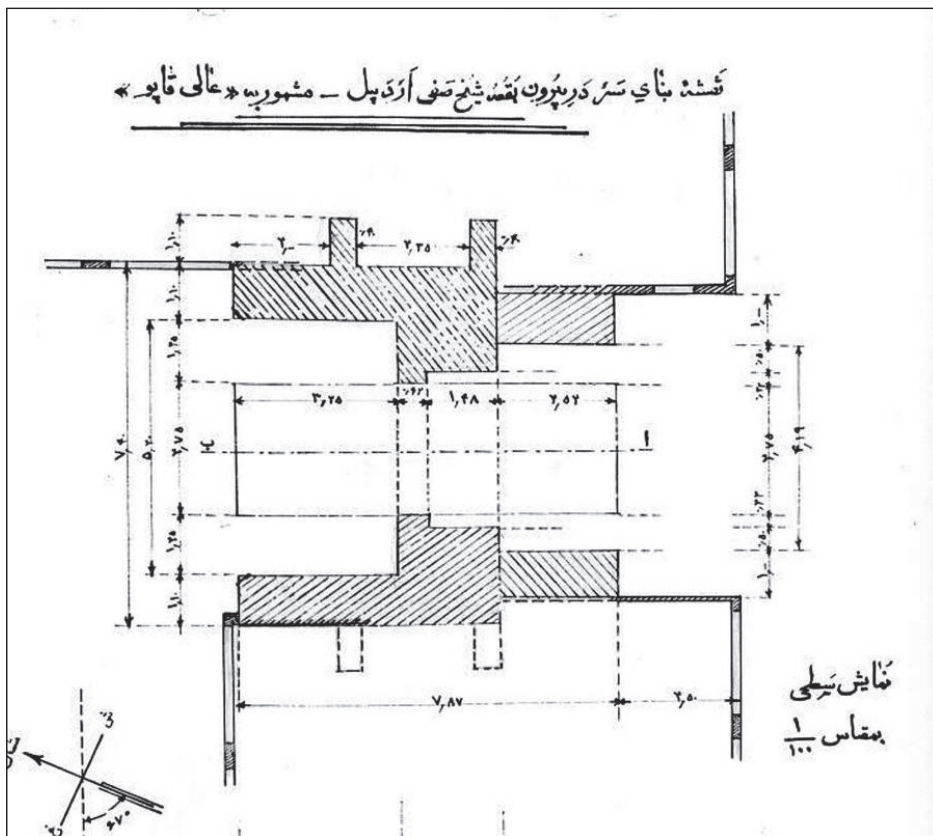
تصویر ۳. سردر عالی قاپو در حال تخریب (مأخذ: آلبوم‌خانه کاش گلستان).



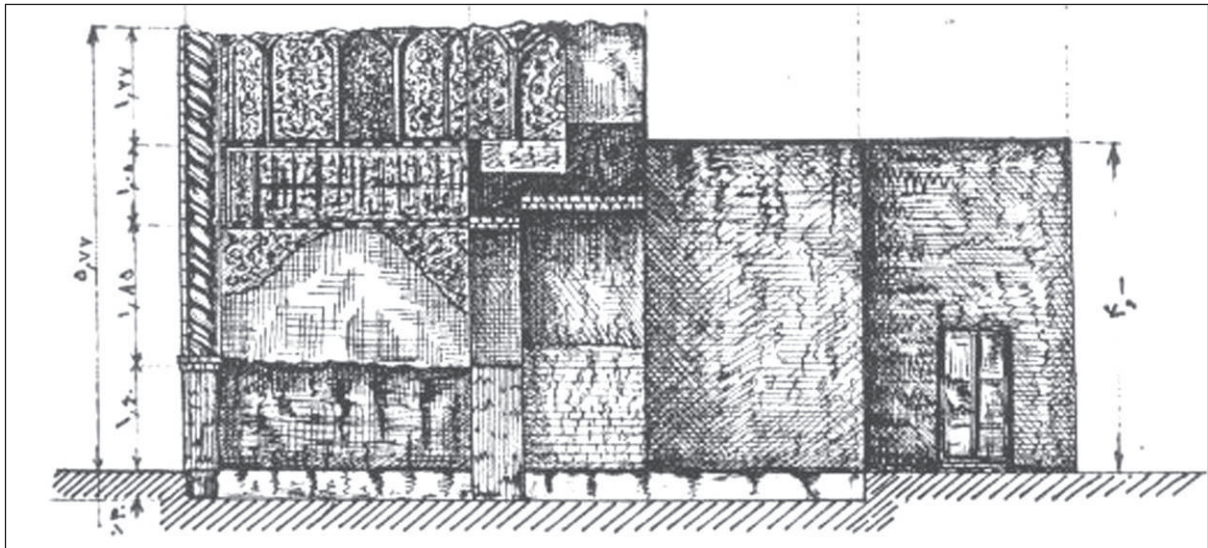
تصویر ۴. بقایای سردر عالی قاپو در دوره پهلوی اول (مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی استان اردبیل).



تصویر ۵. بقایای سردر عالی قاپو در دوره پهلوی اول (مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی استان اردبیل).



نقشه ۲. پلان سردر عالی قاپو (مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی استان اردبیل).



نقشه ۳. نما و مقطع سردر عالی قاپو (مأخذ: مرکز اسناد میراث فرهنگی استان اردبیل).

بررسی و تحلیل کاشی‌های سردر عالی قاپو

مدارک و مستندات و بقایای تزیینات سردر عالی قاپو از زمان تخریب سردر با کمال دقت و درک ارزش آن به مثابه قطره‌های هنر بومی جمع‌آوری شده و در دارالحدیث بر روی هم انبار شده و از آن‌ها نگهداری می‌شود. ولی در چند سال اخیر، جابه‌جایی‌های مکرر و قرار گرفتن آن در زیر برف و یخ و بی‌توجهی به این آثار تحت عنوان آثار منقول و در به‌در شدن آن‌ها، موجب از بین رفتن بخش عظیمی از آن‌ها شد. تغییرات آب و هوا و نمایش آن در فضای باز سبب خیس و خشک شدن مکرر ملات پشت کاشی‌ها شده که نتیجه آن از دست دادن چسبندگی ملات و تکه‌تکه شدن آن و جدا شدن قطعات کاشی معرق از گچ زیر آن شد (تصویر ۱۹). به گونه‌ای که در طی چند سال بی‌توجهی زحمات جمع‌آوری و نگهداری این آثار در کمتر از یک دهه از بین رفت و بخش عظیمی از این کاشی‌ها شکل خود را از دست داد و تخریب شد. به هر حال این قطعات و ترکیب عمومی آن‌ها تنها مدارک واقعی از سردر عالی قاپو هستند. بدیهی است که بدون وجود این قطعه‌ها، امکان دستیابی به طرحی دقیق از سردر ممکن نیست، هر چند که این مدارک از آخرین مرحله برپا بودن بنا گردآوری شده است، ولی در تهیه طرح بازسازی و آسیب‌شناسی تزیینات، شناسایی رنگ‌های اولیه، فنون ساخت و طراحی قسمت‌های موجود از تزیینات سردر نقشی اساسی ایفا می‌کند.

در تابستان ۱۳۹۵ این قطعات در پایگاه جهانی شیخ صفی‌الدین اردبیلی به طور منظم شماره‌گذاری شد و هم‌اکنون (۱۳۹۷ ش) در آرشیو دبستان داخل مجموعه

شیخ صفی (مدرسه پور سینا) در درون سه اتاق صیانت و محافظت می‌شود. همچنین با تطبیق این قطعات با عکس‌ها و مستندات قدیمی برخی از این قطعات به صورت پازل بر جای اصلی خود قرار گرفت. تا در آینده‌ای نه چندان دور پس از طراحی کامل و طی مراحل تصویب از سازمان میراث فرهنگی و سازمان یونسکو در بازسازی سردر مورد استفاده قرار گیرد.

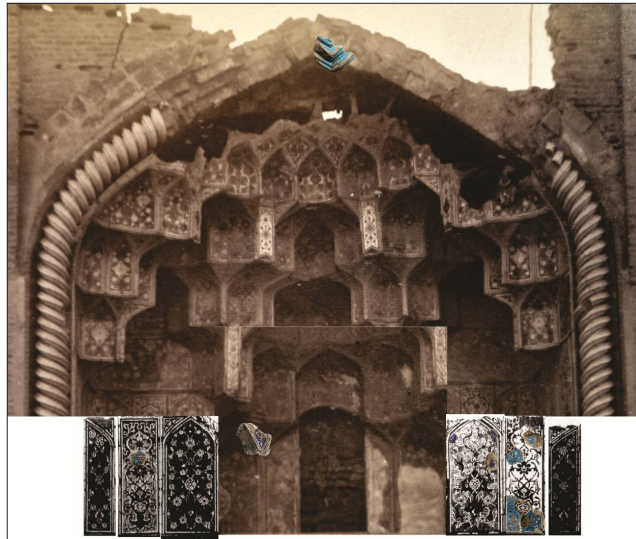
از مهم‌ترین اهداف بازسازی سردر صیانت از کاشی‌های معرق تزیینی باقی‌مانده است. معماری ایرانی نمود روشن حجم، هندسه و نظم است. فرم کلی سردر، عناصر تشکیل‌دهنده و اجرا شده، هر یک حجم هندسی و فضای مشخصی را ارائه می‌دهند که به تنهایی کامل نبوده و در جوار یکدیگر به تکامل می‌رسند و خواستگاه مناسبی برای رنگ، نقش، بافت، و شیوه اجرا تزیین می‌شوند. طبق اسناد و مدارک موجود، نمای سردر عالی قاپو تماماً طراحی و مزین به مقرنس، کتیبه، کاشی معرق، پنجره مشبک، پیچ تزیینی و سنگ بوده است. **کاشی‌های معرق:** کاشی معرق با دقت و مهارت بسیار از تراشیدن کاشی‌های رنگی مختلف و کنار هم قرار دادن آن‌ها بر اساس طرح ساخته می‌شده است. فیروزه‌ای، لاجورد، زرد، قهوه‌ای، مشکی، و خاکی از عمده رنگ‌های استفاده شده در کاشی‌های سردر است.

در کتاب ویور به جزئیات برخی از نقوش اشاره شده است: «پیچک‌های زرد و آبی باز بر روی سطح چنبره زده با گل‌های رنگارنگ بسیاری آمیخته شده است. از طرف راست و چپ نقش دو طاووس در حالی که سر خود را به عقب برگردانیده به سوی گلدان پیش می‌روند. طرح و رنگ

طاووس‌ها با تزئینات گیاهی هماهنگی تام دارد. در این درگاه خارجی یک رنگ غیر معمول سرخ با بصیرت و احتیاط به کار رفته است، اما چون نمی‌دانستند که چگونه رنگ سرخ را آتش دهند لذا ملات را در نقاطی که انتخاب کرده بودند قرار داده آن را رنگ می‌کردند. به کار بردن رنگ زرد نیز که احتمالاً قبلاً به جای آن آب طلا به کار برده می‌شده، در کارهای بعدی افزایش یافت» (ویور، ۱۹۷۰: ۸۴) (تصاویر ۱۳ و ۱۴). طراحی نقوش کاشی‌ها طوری است که همانند حجم اصلی بنا اصل قرینه‌سازی و تقارن در آن رعایت شده است. کاشی‌های مقرنس: از بارزترین عناصر در تزئینات معماری دوران اسلامی به‌خصوص در دوره صفویه بوده که با استناد به تصاویر قدیمی و قطعات کاشی معرق موجود سطح مقرنس کار شده در زیر نیم‌گنبد سردر عالی‌قاپو تماماً با کاشی مقرنس و نقوش اسلیمی، ختایی، ترنج و سرترنج‌های کوچک و ظریف در زمینه غالب لاجورد مزین و پوشیده بوده است (تصویر ۶).

کتیبه: کتیبه سردر متنی است خبری که پادشاه وقت و سال اتمام عمارت فوق را به همراه نام ناظر ساخت و هنرمند طراح آن معرفی می‌کند. در این کتیبه نام سلطان با رنگ دیگری نوشته شده است و در طراحی کتیبه آن به این نکته که نام شاه عباس ثانی در بالای درگاه ورودی قرار گیرد توجه شده است و قسمتی از کتیبه که رنگ نوشتار آن متفاوت است در وسط کتیبه و در مرکز سردر واقع شده است. در زمینه کتیبه با زیبایی و ظرافت نقوش اسلیمی در لابه‌لای خطوط اجرا شده است. این کتیبه به خط ثلث مزین و با تزئینات بیضی‌شکل سفید و خردلی و زمینه سبز قاب‌بندی شده است (تصاویر ۷ و ۸ و ۹).

کاشی‌های بالای کتیبه: کاشی‌های این قسمت به شکل طاقچه نما به صورت معرق و عرض‌های متفاوت هستند. رنگ زمینه آن‌ها یک در میان تیره و روشن است که هر کدام با گل‌های شاه عباسی و ختایی و برگ‌های ختایی و اسلیمی-های زیبا منقوش و مزین شده اند که با پیدا کردن قطعه‌های



تصویر ۶. کاشی‌های یافت شده جبهه روبه‌رو (یافته‌های عکس از: نگارنده)



تصویر ۷. کتیبه از جبهه روبه‌رو و کاشی‌های یافت‌شده آن که با خط ثلث سفید آذری مربوط به دوره شاه عباس ثانی که نام شاه در وسط با آب طلا نوشته شده است (یافته‌های عکس از: نگارنده).



تصویر ۸. کتیبه جبهه چپ و کاشی‌های یافت‌شده آن (یافته‌های عکس از: نگارنده).



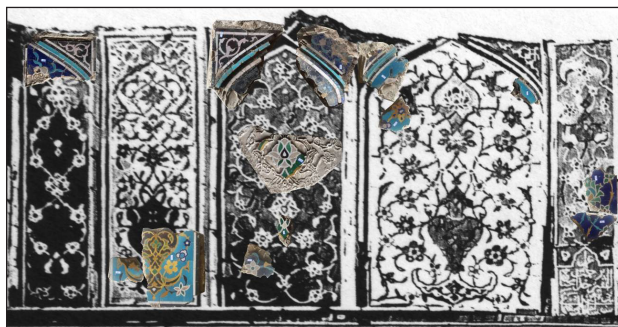
تصویر ۹. کتیبه جبهه راست و کاشی‌های یافت‌شده آن (یافته‌های عکس از: نگارنده).

زندگی است. این طرح و نقش سال‌ها در هنر این سرزمین مخصوصاً بناهای مذهبی استفاده شده است (تصویر ۶).
گلدان: در اسناد و تصاویر قدیمی هیچ تصویری از گلدان زیر پیچ فیروزه‌رنگ وجود ندارد، ولی با مشاهده و مقایسه بیشتر بناهای دوره صفویه و همچنین با توجه به خصوصیات سنگ که مناسب‌ترین مصالح برای پوشش پایین ازاره بناست و مطالعه متن سفرنامه‌ها می‌توان ادعا کرد که خروج پیچ فیروزه‌ای‌رنگ از گلدانی محکم و استوار با جنس مرمر روشن بوده است. تنها ادعایی که می‌توان بر اساس اسناد و مدارک کرد این است که لبه گلدانی‌ها هشت‌ضلعی بوده، که در بالای کلاه پلیس در تصویر شماره ۵ دیده می‌شود که آن را فقط جهت حفظ شدن به عنوان مدرک در مکان بالاتری نصب کرده‌اند.
پنجره مشبک: در جبهه روبه‌رو روزنی وجود دارد که در اسناد و تصاویر قدیمی با دیوار کاذب آجری پوشیده شده است. در مقایسه با سردرهای مشابه می‌توان به این

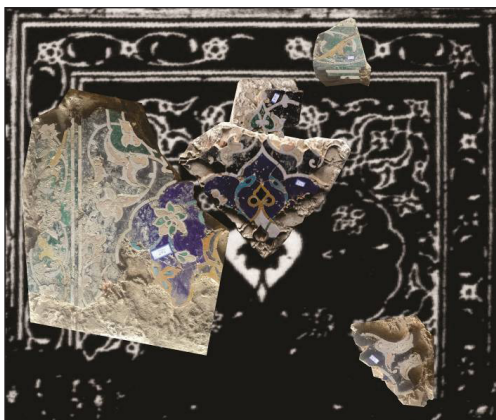
آنها، نوع رنگ‌ها مشخص شد (تصویر ۱۰).
تزیینات کنار درگاه ورودی: در دیوارهای دو طرف درگاه از نقش محرابی استفاده شده است. لچکی آن با طرح ظریفی از اسلیمی و محراب آن با طرح گل و برگ ختایی و شاه عباسی منقوش شده است. طرح فوق با حاشیه‌ای از گل-های ختایی قاب‌بندی شده است. همان‌طور که در تصویر ۱۶ مشهود است، کاشی این قسمت تا سال ۱۳۷۴ سالم بوده ولی متأسفانه هم اکنون قسمت اعظمی از آن وجود ندارد (تصویر ۱۲).
تزیینات زیر مقرنس‌ها: در جبهه سمت چپ و راست و روبه‌رو در زیر مقرنس‌ها و بالای کاشی‌های طاقچه نما، طرح گلدانی با گل‌های ختایی و شاه عباسی - که در دو طرف گلدان طاووس طراحی شده است - مزین شده است (تصاویر ۱۳ و ۱۴).
پیچ فیروزه‌ای رنگ: قوس اجراشده در سردر عالی‌قاپو با پیچ فیروزه‌رنگی مزین شده است. این پیچ نماد درخت



تصویر ۱۰. کاشی‌های یافت‌شده جبهه چپ بالای کتیبه (یافته‌های عکس از: نگارنده).



تصویر ۱۱. کاشی‌های یافت‌شدهٔ جبههٔ راست بالای کتیبه (یافته‌های عکس از: نگارنده).



تصویر ۱۲. تزیین قاب‌بندی‌شده به شکل محرابی طرفین درگاه ورودی و کاشی‌های یافت‌شدهٔ آن (یافته‌های عکس از: نگارنده).

- بعد از ترسیم تزیینات در مقیاس یک‌یکم و اصولی شدن آن، قطعات اصل را حدود دو میلی‌متر برجسته‌تر بر روی قالب گذاشته و بقیهٔ قطعات را تیشه‌داری کرده و تخمیر پشت آن می‌ریزیم تا قطعات اصیل به صورت محرز نمایان باشد.
- کتیبهٔ قاب‌بندی‌شده توسط حاشیه‌ای به فواصل مساوی که توسط آن، با در دست داشتن ابعاد خطوط به طور دقیق عمق و عرض آن پیدا شد و به پیروی از آن عمق و عرض ایوان مشخص شد.
- با در نظر گرفتن شکل تزیینات، تعداد حلقه‌های ماری، ابعاد برخی فضاها، ارتفاع پیرنشین، بدنهٔ تکیه‌گاه سنگی و شکل قاب‌بندی محرابی معرق و... یافت شد.
- کلید بالای قوس ماری شکل موجود طبق مستندات موجود به مکان انتقال یافته است.
- طرح مقرنس به ارتفاع ۵ تقسیم مساوی و پلان مستطیل به طول دهانهٔ ایوان و عرض نیم طول بزرگ یعنی دهانه است.
- سکوی پیرنشین، گلدانی‌های طرفین آن، و بدنهٔ تکیه‌گاه به گواه مستندات تاریخ‌نویسان و هم‌شکلی ادواری بناهای همگون از سنگ مرمر است.

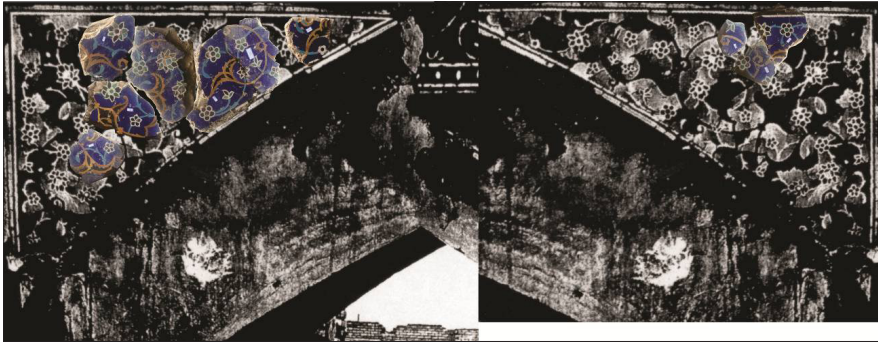
- نتیجه رسید که این روزن همانند طاقنماهای صحن و نمای قندیل‌خانه و... پنجره‌های مشبک برای عبور نور و جریان هواست.
- تزیینات بالای درگاه ورودی:** این تزیینات در دو طرف بالای درگاه ورودی در جبههٔ روبه‌رو به صورت لچکی با گل‌های ختایی و شاه عباسی و زمینهٔ لاجوردی و اسلیمی‌های زیبا و ظریف منقوش شده است (تصویر ۱۵).
- به علت طولانی بودن مراحل جزییات طرح بازسازی تزیینات این اثر و ارائه آن در این مقاله به اختصار برخی از نکات در نظر گرفته شده جهت بازسازی تزیینات و کاشی‌ها به قرار ذیل است (تصاویر ۱۶-۱۹):
- تمیز کردن و تثبیت قطعات باقی‌مانده و نازک کردن ملات‌های اضافه.
- قرار دادن کاشی‌های معرق اصلی در مکان خود که با در دست داشتن تصاویر سیاه و سفید از کلیات می‌توان به رنگ اصلی آن‌ها نیز پی برد و در بازسازی به آن رنگ‌ها رسید.
- چون ملات پشت کاشی‌ها از بین رفته و از نوع گچ بوده است، می‌توان از آنها صرف نظر کرد. زیرا از اهمیت کمتری برای صیانت کاشی‌ها برخوردار است.



تصویر ۱۴. کاشی طرح طاووس در سال ۱۳۷۴ ش (مأخذ: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی).



تصویر ۱۳. کاشی طرح طاووس (مأخذ: فردریش زاره، ۱۳۸۵).



تصویر ۱۵. کاشی‌های یافت‌شده بالای درگاه ورودی (محل شکست جبهه روبه‌رو) (یافته‌های عکس از: نگارنده).



تصویر ۱۷. کاشی‌های کتیبه سردر عالی قاپو در سال ۱۳۷۴ ش (مأخذ: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی).



تصویر ۱۶. کاشی طرح محرابی کنار درگاه ورودی در سال ۱۳۷۴ ش (مأخذ: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی).



تصویر ۱۹. وضعیت کاشی‌های سردر در سال ۱۳۹۲ ش.



تصویر ۱۸. کاشی‌های کتیبه سردر عالی قاپو در سال ۱۳۷۷ ش (مأخذ: مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی).

- در ایوانچه‌ها، آخرین قاب از درون و بدنه هره مستطیل شکل زیر ایوانچه‌ها - که احتمالاً از گچ و یا کاشی مشبک است - با دقت بیشتر بر مبنای مستندات هم‌دوره طراحی شد.

- اندازه ارتفاعات، عرض و عمق قاب‌بندی‌ها و جزئیات بر مبنای بقایای تزیینات معرق در نظر گرفته شد که اختلافی در حد میلی‌متر در کلیات با اصل خود خواهد داشت.

- برای دقت بیشتر در اندازه‌گیری از قطعات بزرگ کاشی‌های معرق موجود، استفاده شد، مخصوصاً آنجایی که یک مدل تکرار می‌شود.

- نوع قوس‌ها پنج او هفت و قوس‌های دیگر بوده که هنگام ساخت باید با تصاویر به‌جامانده از گذشته مطابقت داده شود.

- لبه‌گلدانی‌ها هشت‌ضلعی بوده که در عکس‌ها و مستندات موجود هم دیده می‌شود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ارزش هر اثر تاریخی و بنای قدیمی به همان مدارک کالبدی اصیل آن است. حساسیت حفاظت از تزیینات و کاشی‌های سردر عالی‌قاپو ناشی از تعهد سپردن صحیح و بی‌کم و کاست این اسناد و هویت تاریخی به نسل آینده است. بازسازی این اثر باشکوه که نشان، نماد و جزئی از هویت شهر اردبیل است، امری اجتناب‌ناپذیر است. لازم به توضیح است که اردبیل که با لقب دارالامان خوانده شده، با وجود این یادمان تاریخی معنا می‌یابد و باید با حساسیت بالا در اسرع وقت بازسازی آن در اولویت و دستور کار قرار گیرد.

در معماری ایرانی، ارتباط بین یک بنا با مجموعه فضای شهری توسط «ورودی» صورت می‌پذیرد. این مکان مستقل که فضای درون مجموعه را به بیرون آن متصل می‌سازد مانند هر یک از اجزای سازنده‌اش، منظم و متکامل است. ورودی به طور معمول در محلی قرار می‌گیرد که نظم داخلی حیاط را بر هم زده و به ترکیب خودش هم آسیبی نرساند و بتواند به خوبی با محیط پیرامون در ارتباط باشد.

میدان عالی‌قاپو در کنار بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، بین در ورودی حیاط بزرگ و سردر عالی‌قاپو قرار داشته است. با توجه به سابقه تاریخی محدوده مورد نظر و حضور چند عنصر با عملکرد عمومی در جنب بقعه، می‌توان نتیجه گرفت که این محدوده مرکز محله، به عبارتی مرکز محله قدیمی عالی‌قاپو است. وجود عناصری چون بقعه، نمازخانه، حمام، بازارچه، امامزاده و فضای باز عمومی و همچنین تلاقی چند گذر در میدان عالی‌قاپو دلایل مبرهن و محرز برای مرکز محله بودن این مکان است.

تشکر و قدردانی

نگارنده بر خود لازم می‌داند از آقای دکتر منصوری‌فرد، آقای وهابزاده مدیر محترم پایگاه جهانی شیخ صفی، خانم میرحیدری

که با اینجانب همکاری نمودند تشکر و قدردانی نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. در سفرنامه آدام التاریوس، سفیر آلمانی که مقارن با پادشاهی شاه عباس دوم در سال ۱۰۵۵ (ق) به اردبیل رفته بود چنین آمده است: «درگاهی این در و در اول (منظور سردرهای دو طرف حیاط بزرگ است) از سنگ مرمر سفید و یکپارچه ساخته شده است که آن را به شکل استوانه تراشیده بودند» و در سفرنامه ماندلسکو آمده است: «آستانه در آرامگاه مثل همه درهایی که گذشتیم از مرمر سفید بود». ۲. در سفرنامه‌های تاورنیه (ص ۷۴) دلواله (ص ۳۹۸)، کاتف (ص ۵۰)، التاریوس (ص ۱۲۵) به وجود این جنس از زنجیر در سردر حیاط بزرگ و سایر سردرها اشاره شده است و بنابراین می‌توان استنباط کرد، در سردر عالی‌قاپو که بعدها ساخته شده است نیز این عنصر نمادین نصب شده بود.
۳. استنباطی است که از اشاراتی در سفرنامه‌ها مبنی بر مرمرین بودن درگاه و دیوارهای بقعه آمده است.
۴. نقاره‌خانه فضایی بود در بالاترین نقطه بعضی از بناهای مذهبی یا اماکن عمومی که در آن نقاره می‌نواختند.

منابع

- اولتاریوس، آدام. (۱۳۶۹). *سفرنامه آدام اولتاریوس*. ترجمه حسین کردبچه. تهران: شرکت کتاب برای همه.
- باباصغری، علی‌اصغر. (۱۳۷۰). *اردبیل در گذرگاه تاریخ*. اردبیل: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اردبیل.
- دلواله، پیترو. (۱۳۷۰). *سفرنامه پیترو دلواله*. شعاع‌الدین شفا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- دیباج، اسماعیل. (۱۳۴۶). *آثار باستانی و ابنیه تاریخی آذربایجان*. تهران: شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی ایران.
- دیباج، اسماعیل. (۱۳۲۸). *تاریخ فرهنگ شهرستان اردبیل و ابنیه تاریخی آن*. تبریز: انتشارات خانه اختر.
- زاره، فردریش. (۱۳۸۵). *اردبیل: بقعه شیخ صفی (یادبود هنر معماری ایران)*. ترجمه صدیقه خوانساری موسوی. تهران: موسسه متن فرهنگستان هنر.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۷۲). *فضای ورودی در معماری سنتی ایران*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- مصباحی، شکوفه. (۱۳۸۸). *گمشده‌ای از هنر و معماری صفویه؛ مجموعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی طرح بازسازی سردر عالی‌قاپو و تزیینات آن*. تهران: رسانه پرداز؛ پژوهشگاه میراث فرهنگی.
- موسوی، رئوف. (۱۳۷۹). *اردبیل در عصر صفویه*. اردبیل: انتشارات شیخ صفی‌الدین.
- ویور، ام. ای. (۱۹۷۰). *بررسی مقدماتی درباره مسائل حفاظتی پنج بنای تاریخی ایران*. ترجمه کرامت‌الله افسر. تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
- رضازاده اردبیلی، مجتبی. (۱۳۷۸). *طرح احیای میدان و سردر تاریخی عالی‌قاپو*. مرکز اسناد میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اردبیل.
- Sarre, Frierich. (1901-1910). *Ardabil-Grab Moschee des Schech safi- Denkmaler Persischer Baukunst-Berlin*.